

مدعیان حقوق بشر از حمله به قوانین اسلامی به پروژه تجزیه ایران رسیدند

ریز و درشت سناریوهای ضدایرانی در پازل حقوق بشر

حسام‌الدین برومند

پژوهشگر حقوق بشر

این روزها و در پسا‌آشوب ۱۴۰۱، با یک جنگ حقوق بشری علیه ایران اسلامی روبه‌رو هستیم که اصلاح مختلفی هم دارد؛

۱- جریانی، حقوق بشر اسلامی را بر نمی‌تابد و همچنان تلاش می‌کند حقوق بشر را در یک پرسوه دنیال کند تا سکولاریسم در حوزه حقوق و قضا را عملیاتی کند.

۲- جریان دیگری حقوق بشر را یک «پروسه» نمی‌بیند و آن را یک «پروژه» تعریف کرده است تا به بهانه حقوق بشر، فشارهای سیاسی را بر جمهوری اسلامی ایران وارد نماید که نقطه بازآر آن پرونده هسته‌ای ایران است که طبق یک قاعده نانوشته، هر‌موقع موضوع توافق هسته‌ای بالا می‌گیرد، حقوق بشر هم به ابزار برای امتیازگیری و بیاج خواهی تبدیل می‌شود.

۳- جریانی هم به موازات ناآرامی‌ها و فتنه‌ها می‌کوشد تصویری ضدحقوق بشری از ایران ارائه نماید تا زمینه‌ساز صدور قطعنامه‌های حقوق بشری ضدایرانی شود که در جدیدترین اتفاق، به اسم حقوق بشر، اپرپروژه تجزیه ایران را دنبال می‌کنند! از همین رو؛ سبیری در سناریوهای سکولار و حقوق بشری غربی علیه ایران اسلامی تا مأموریت گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل و بالاخره بازی به اصطلاح فعالان حقوق بشری در پازل مدعیان حقوق بشر، ایجاد پیدا و بنهان این جنگ حقوق بشری را عیان و نمایان می‌کند.

ریشه‌تئوریک نزاع حقوق بشری

آنچه سازمان ملل متحد و نهادهای حقوق بشری بین‌المللی از حقوق بشری می‌گویند به لحاظ تئوریک به حقوق بشر غربی باز می‌گردد که تفاوت بنیادین و مبنایی با حقوق بشر اسلامی دارد.

در واقع، حقوق بشر غربی که نمونه‌اعلای آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸) بروز و ظهور یافته است؛ تنها بر بنیاد‌های انسان در محدوده این دنیای فانی متمرکز است و تفسیرش از بشر موجودی است که فقط نفس می‌کشد، می‌اشامد، می‌خواهد و دارای غرایزی است که باید بدان پاسخ گفت. این درحالی است که در حقوق بشر اسلامی به غایت و سعادت بشر توجه می‌شود و تنها محدود به این دنیای فانی و زودگذر نیست بلکه وجه اخروی و سعادت انسان هم مورد نظر است. تفسیر از انسان در حقوق بشر اسلامی مبتنی بر نگاه توحیدی است و محدود به پاره‌ای از غریز و نیازهای مادی انسان نیست. اشکال عمده نظریه‌پردازان غربی در موضوع پرسئاله حقوق بشر این است که تفسیر آنها از انسان تفسیری ناقص و محدود و در قلمروی ذهنی بشری است.

نگاهی به تقلاهای معاندان برای تداوم آشوب

اپوزیسیون به دنبال آینده موهوم

مصطفی رضایی

کارشناس مسائل سیاسی

درگاه‌های سیاستگذاری و آینده‌نگرانه معاندین در اغتشاشات و آشوب‌های اخیر از مدت‌ها قبل از رویداد فوت خانم امینی برای شورش‌های متوالی در کشور برنامه‌ریزی کرده‌بودند. طبق سخنانی که تحلیلگران و صاحبان نظریه مطرح کرده‌اند آنچه تحت عنوان جنبش یا خیزش اجتماعی زنان در ایران نامبردار شده، در واقع روینمای یک نقشه‌راه چند ساله است که البته با فرمت‌چینی عناصر مخالف طرح‌ریزی شد. در واقع زیربنا و پشت صحنه یک کار آینده‌نگرانه است که از جانب عناصر خارجی پشتیبان شورش‌ها به صورت سریالی چینش شد. به صورتی که تمامی گزینه‌های مطرحی که می‌توانست مخمل امنیت و عامل تحریک مردم به حساب آید را در چیدمانی آینده‌نگرانه با در نظر گرفتن بازه زمانی کوتاه‌مدت عیان کردند؛ گزینه‌هایی که هر کدام البته به مقصود نرسید اما نشان از تمرکز بلندمدت می‌دهد.

به خدمت گرفتن روندهای جهانی علیه ایران

یکی از این راهکارها، استفاده حداکثری از پارادایم غالب فرهنگی است که با استفاده از الگوی نظری جهانی تلاش در جهت منغور نشان دادن نظام سیاسی به‌عنوان عامل تضعیع حقوق عامه و زنان داشتند. مخالفین با استناد به اینکه الگوی جهانی نظری جهانی فرهنگی است، ادبیات آشوب‌سازی ساختند و سعی داشتند این مطلب را القا کنند که ایران هنگام با رویکردهای جهانی در جهت حفظ حقوق زنان پیشگام نیست؛ تلاش کشور‌های مداخله‌گر برای لغوعضویت ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل نیز در قالب این راهبرد قابل بررسی و تحلیل است. ضمن اینکه پرونده‌سازی و تولید محتوای دروغین از جمله روندهایی است که سال‌ها است عناصر اپوزیسیون و معاند سعی در پیش بردن آن دارند. به علاوه رویکردهای پیشین در قالب تشویق زنان به بی‌حجابی، عریان‌گرایی، تشویق به سوزاندن روسری و… در راستای همین پرونده‌سازی‌ها، همه روندهایی بودند که هم‌اکنون نیز در پیش گرفته شده و می‌شوند.

حقوق بشر به مثابه یک پروژه سیاسی

مدعیان حقوق بشر امروز از حقوق بشر در حوزه فکر و اندیشه عبور کرده‌اند و حتی حقوق بشر را با همان مختصات حقوق بشر غربی و اومانستی رعایت نمی‌کنند و به حقوق بشر به‌عنوان یک «پروژه سیاسی» می‌نگرند. هدف این پروژه این است که در پوشش الفاظ و واژگان پرطمطراق حقوق بشری، اغراض سیاسی و جاه‌طلبی‌های خود را عملیاتی نمایند. می‌گویند حقوق بشر ولی دست به ترور و آدم‌کشی بلکه نسل‌کشی می‌زنند و جنایت‌هایی می‌آفرینند که در تاریخ بشریت سابقه نداشته است. می‌گویند حقوق بشر ولی از مادی‌بمب‌ها رونمایی می‌کنند. می‌گویند حقوق بشر ولی گروهی آدمکش به‌نام منافقین و القاعده و طالبان و داعش را خلق می‌کند و همین بشر را به راحتی سُر می‌برد!

بنابراین صحنه واقعی نقض حقوق بشر در یمین و سوریه و عراق و افغانستان و… عیان و نمایان است که تروریسم با حمایت آشکار آمریکا به جان مردم افتاده‌اند. صحنه واقعی نقض حقوق بشر را باید در جنایت‌های بی سابقه رژیم صهیونیستی دید که بیش از هفت دهه است خون یک ملت را در شیشه کرده است. صحنه واقعی نقض حقوق بشر را باید در رژیم سعودی دید که با پول و دلارهای نفتی، نهادهای رسمی حقوق بشری را به نفع خود می‌خرد و از استیضاح ناقضان حقوق بشر خارج می‌شود. صحنه واقعی نقض حقوق بشر را باید در عراق و نمایان است آمریکا دید که هر موقع می‌خواهد از شورای حقوق بشر خارج می‌شود و هر موقع می‌خواهد به این شورا باز می‌گردد و رجز حقوق بشر هم سر می‌دهد!

بزنگاه ۸۸، برجام و محاکمه مفسدان اقتصادی

امریکا در پروژه حقوق بشر، همواره فضاسازی علیه کشورمان را با هدف افزایش فشار در دستورکار داشته است. پس از ناکامی امریکایی‌ها در فتنه ۸۸ که تضعیف ساختارهای نظام را نشانه رفته بودند، کاخ سفید اهرم حقوق بشری علیه ایران اسلامی را به صحنه آورد. علی‌رغم ادعاها و اتهامات حقوق بشری از سوی امریکا به کشورمان، ایران اسلامی همکاری استاندارد و مطلوبی را با شورای حقوق بشر در راستای مکانیزیم پی آر- بررسی دوره‌ای و جهانی حقوق بشر کشورش- به اثبات رساند؛ چرا که در خرداد ماه سال ۸۹ گزارش نهایی حقوق بشر کشورمان در چهارمین نشست شورای حقوق بشر با اجماع به تصویب رسیده بود. ضمن آنکه ایران با گزارشگرهای موضوعی حقوق بشر به خوبی همکاری کرده بود و آنها این فرصت را یافته بودند تا در مواعد مختلف به ایران بیایند و گزارش تهیه نمایند. اما در اقدامی سیاسی و مغرضانه و با نادیده گرفتن همکاری‌های حقوق بشری ایران، فروردین ۱۳۹۰ (مارس ۲۰۱۱) شورای حقوق بشر سازمان ملل در اقدامی عجیب و به شدت شگفت‌انگیز، قطعنامه‌ای را تحت نفوذ و لابی امریکا تصویب کرد

که برپایه آن مقرر شد تا «گزارشگر ویژه حقوق بشر» برای ایران تعیین شود!

هدف از صدور این قطعنامه، سیاه نشان دادن وضعیت حقوق بشر در ایران بود و تعیین «گزارشگر ویژه» - و نه موضوعی - در اقدامی شاذ و نادر و برخلاف رویه معمول بین‌المللی با ۲۲ رأی موافق از ۴۷ رأی شورای حقوق بشر به تصویب رسید و مدتی بعد در امتداد این قطعنامه غیرقانونی، «احمد شهید» در ۲۷ خرداد ۹۰ (ژوئن ۲۰۱۱) به‌عنوان گزارشگر حقوق بشر در امور ایران انتخاب شد. بعد از احمد شهید، عاصمه جهانگیر و اکنون جاوید رحمان به‌عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران انتخاب شدند و همان رویه قبلی را ادامه دادند!

بنابراین؛ مشاهده می‌شود پس از ناکامی دشمن در فتنه سال ۸۸، هم قطعنامه حقوق بشری علیه ما صادر کردند و هم گزارشگر ویژه حقوق بشر را به ایران تحمیل کردند.

امریکا در پروژه حقوق بشر، همواره فضاسازی علیه کشورمان را با هدف افزایش فشار در دستورکار داشته است. پس از ناکامی امریکایی‌ها در فتنه ۸۸ که تضعیف ساختارهای نظام را نشانه رفته بودند، کاخ سفید اهرم حقوق بشری علیه ایران اسلامی را به صحنه آورد

مقطع دیگری که فشار حقوق بشری علیه ایران را کلید زدند پس از توافق هسته‌ای بود. نهادهای به

هدف از صدور این قطعنامه، سیاه نشان دادن وضعیت حقوق بشر در ایران بود و تعیین «گزارشگر ویژه» - و نه موضوعی - در اقدامی شاذ و نادر و برخلاف رویه معمول بین‌المللی با ۲۲ رأی موافق از ۴۷ رأی شورای حقوق بشر به تصویب رسید و مدتی بعد در امتداد این قطعنامه غیرقانونی، «احمد شهید» در ۲۷ خرداد ۹۰ (ژوئن ۲۰۱۱) به‌عنوان گزارشگر حقوق بشر در امور ایران انتخاب شد. بعد از احمد شهید، عاصمه جهانگیر و اکنون جاوید رحمان به‌عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران انتخاب شدند و همان رویه قبلی را ادامه دادند!

بنابراین؛ مشاهده می‌شود پس از ناکامی دشمن در فتنه سال ۸۸، هم قطعنامه حقوق بشری علیه ما صادر کردند و هم گزارشگر ویژه حقوق بشر را به ایران تحمیل کردند.

است و دوم اینکه موضوع حقوق بشر ابزاری در دست نظام سلطه است تا در پوشش آن از هواداران و گماشتگان خود در داخل کشورهای مستقل - که عموماً مرتکب جرایم متنوعی می‌شوند- دفاع کنند.

اپرپروژه تجزیه ایران

در قضایای اخیر و اغتشاشات و آشوب‌های ۱۴۰۱ که با حمایت آشکار آمریکا و برخی کشورهای اروپایی مثل انگلیس، آلمان، فرانسه و کانادا در ایران رخ داد مانند دفعات قبل هدف براندازی بود اما این بار وقتی فهمیدند «اسلام» را نمی‌توانند گرفتند و سودای تجزیه آن را دنیال کردند. اینجا بود که حداقل ظواهری هم که در حوزه حقوق بشر رعایت می‌کردند، این بار بی‌محابا و آشکارا کنار گذاشتند. جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران، در سه ماهه آشوب‌های سال جاری چند موضع و اقدام خصمانه کرد:

۱- رسماً به حجاب حمله کرد و ایران را به دلیل رعایت قانون اسلامی حجاب، به نقض حقوق بشر متهم کرد.

۲- همسوبا اپوزیسیون و معاندان و دشمنان ایران، از آشوب‌ها و اغتشاشات در ایران حمایت کرد.

۳- قضیه ترور حرم حضرت شاهچراغ(ع) و به شهادت رساندن زائران از سوی داعش را به‌طور کلی سانسور کرد و موضعی نگرفت.

۴- جاوید رحمان با رسانه تروریستی «ایران اینترنشنال» مصاحبه اختصاصی کرد تا صریحاً نشان بدهد موضع بی‌طرفانه نسبت به ایران ندارد! در همین بستر و فضای خصمانه و عنودانه بود که «شیرین عبادی»، چهره پوشالی حقوق بشری که از سوی غربی‌ها پرورش یافته بود و به او جایزه نوبل هم داده بودند به میدان آمد و با تلویزیون یک گروهک تجزیه طلب(پاتنرک) مصاحبه کرد و تجزیه ایران دفاع کرد و آن را حق تجزیه طلبان دانست؛ طرفه آنکه عنصری مثل «صلاح ابوشریف الاحوازی» سر کرده گروهک تروریستی و تجزیه طلب عربی موسوم به «جبهه دموکراتیک مردمی الاحواز» در نشست اخیر شورای حقوق بشر سازمان ملل، ایران را ناقض حقوق بشر می‌خواند!

اینرا بخشی و شمه‌ای از داستان فاجعه بار حقوق بشر غربی است که در قالب یک پروژه سیاسی طی دهه‌های اخیر علیه ایران اسلامی دنبال شده است؛ از حمله به قوانین اسلامی، فشار روی توافقی هسته‌ای، فضا‌سازی در مورد مفسدان فرهنگی، حمایت از فتنه‌ها و ناآرامی‌ها و بالاخره حمایت از تجزیه ایران! که با تریج‌بند تحریم‌های وحشیانه علیه مردم ایران دنبال شده است.

امروز در جنگ حقوق بشری با غرب هستیم و نباید به بیابیه و سخنرانی اکتفا کرد. باید برای پدافند و آفند حقوق بشری، طرح و برنامه داشت و بموقع اقدام کرد و از افق‌افکار عمومی هم غافل نشد.



عین، ایران

تجمع تجزیه‌طلبان در برلین علیه جمهوری اسلامی ایران

مقطع دیگر باز می‌گردد به محاکمه مفسدان اقتصادی که در اینجا هم دشمن و برخی پادوهای رسانه‌ای او تلاش داشتند برخی مفسدان اقتصادی را کارآفرین جا بزنند! جالب اینجاست که اگر عدلیه با مفسدان اقتصادی برخورد کند و برخی از آنها به اعدام محکوم شوند، صدای برخی کشورهای غربی در می‌آید که چرا اعدام کردید؟ در داخل هم برخی رسانه‌ها، همان مفسدان اقتصادی را صرفاً سرمایه‌داری جا می‌زنند که بر بالای دار رفته است و تبتیر می‌زنند: «بر دار سرمایه داری»

حقوق بشر منهای اخلاق

پروژه حقوق بشر غربی مبتنی بر اغراض سیاسی علیه کشورهای مستقل است. شهریور ماه ۱۳۹۷ بود که نشریه «پلیتیکو»، سندی محرمانه از «برابان هوک» که مسئول گروه اقدام ایران در وزارت خارجه امریکا بود، منتشر کرد که نشان می‌داد او به وزیر خارجه وقت امریکا توصیه می‌کند ملاحظات حقوقی و اخلاقی را در زمینه حقوق بشر در مقابل کشور‌های مانند ایران کنار گذاشته و از حقوق بشر صرفاً به‌عنوان ابزاری برای فشار استفاده کنند! این همان چهره بدون بزرگ امریکاست.

بنابراین، دلیل اصلی هججه‌های کلیشه‌ای امریکا و اروپا به جمهوری اسلامی ایران عمدتاً دو موضوع اصلی است؛ اول اینکه آنها با احکام اسلام دشمنی دارند و به بهانه مسأله حقوق بشر خواهان فقه زلانی از قوانین ایران هستند و البته این سناریو ابترا مانده



عین، ایران

ملل آزاد و مستقلی همچون ما سلطه یابند. گویا روشی تاریخی نیز هست. زمانی استعمارگران، منورالفکرهای داخلی را به خط می‌کردند که آنها را دستاویزی برای سلطه می‌پنداشتند؛ هر چند منورالفکرهای قدیم، اندکی صاحب ذوق و ترقی بودند و مثل مزدوران امروز تنها تھی مغزانی پول پرست نبودند! پیش‌پیش‌ندگان، این روندها را از مسیر پوییش محیطی متوالی دنبال می‌کنند.

سخن پایانی

واقعیتی این است که روزنه‌های نفوذ جریانات اپوزیسیون بی‌هدف نیستند و قطعاً با ره‌نگاشت متقنی دست به آشوب‌افکنی می‌زنند و روندهای مؤثر را به خوبی مطالعه و انتخاب می‌کنند. درک این موضوع زمانی مؤثر است که بدانیم ریشه تمامی آشوب‌های اخیر، خارج از کشور و از طرف جریانات برانداز مدیریت شده است. هر چند این رویکردها و رفتارها یک عیب بزرگ دارند و آن اینکه هر چه به جلوی می‌رویم از عمق و معنای رفتارهای آشوبناک کمتر می‌شود؛ به این معنی که جریانات از خارج کنترل شده هیچ بانی و لیدر مطلوبی در داخل پیدا نمی‌کنند و تنها ابواباشگران و دغل‌بازان که در پی

ابزار دیگر جریان‌های معاند، استراتژی پس‌نگری است. به این صورت که مخالفین و سرتیم‌های رسانه‌ای معاند تلاش می‌کنند ابتدا آینده‌ای را برای شورشیان در داخل ترسیم کنند و آنها را به اموری که خود در قالب جریان‌سازی و سناریوسازی تدوین می‌کنند وادار سازند. به عبارتی آینده‌ای به ظاهر روشن و با کلیدواژه براندازی ترسیم می‌کنند

است. به این صورت که مخالفین و سرتیم‌های رسانه‌ای معاند تلاش می‌کنند ابتدا آینده‌ای را برای شورشیان در داخل ترسیم کنند و آنها را به اموری که خود در قالب جریان‌سازی و سناریوسازی تدوین می‌کنند وادار سازند. به عبارتی آینده‌ای به ظاهر روشن و با کلیدواژه براندازی ترسیم می‌کنند و سپس عناصر خود را به‌کار می‌گیرند. حتی راهبرد مزدورسازی و شخصیت‌سازی‌های متوالی را نیز در راستای این راهبرد می‌توان تحلیل کرد تا جایی که برخی بر این اعتقاد هستند که ابرقدرت‌های متجاوز امروز تلاش دارند از مسیر همین مزدورنوازی‌ها بر

در واقع دو کلان پروژه روندسازی برای کشته‌ها و جریان‌سازی علیه نظام سیاسی طی این مدت از جانب اتاق‌فکرهای آینده‌نگری دشمن بی‌گرفته شد که البته بزودی معلوم شد سراسر دروغ بوده است. در واقع دروغ‌پردازی و سناریودازی، ابزار مکمل آشوبگرانی بود که در خارج نشسته و منتظر

اوج‌گیری بلوا بودند. ماهیت این ابزارها در جهت روندسازی‌های جدید برای مقابله با نظام سیاسی و در قالب بمباران خبری نمود داشته است.
استراتژی پس‌نگری؛ ترسیم آینده روشن موهوم
ابزار دیگر جریان‌های معاند، استراتژی پس‌نگری